

تأثیر عدم تمکین مالیاتی بر نگهداشت وجه نقد در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

مرتضی پهلوان^۱، محسن حمیدیان^۲، فاطمه صراف^۳

^۱ دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، ایران.

^۲ استادیار گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، ایران.

^۳ استادیار گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، ایران.

نام نویسنده مسئول:

مرتضی پهلوان

چکیده

هدف این پژوهش، تأثیر معیارهای مدیریت مالیاتی بر سطح نگهداشت وجه نقد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این پژوهش برای اندازه گیری سطح نگهداشت وجه نقد از دو معیار شامل نسبت وجه نقد و معادل وجه نقد به مجموع دارایی ها و نسبت وجه نقد به مجموع دارایی ها پس از کسر معادل وجه نقد استفاده شده است. بدین منظور سه (۳) فرضیه برای بررسی این موضوع تدوین و داده های مربوط به ۱۰۸ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران برای دوره ی زمانی بین سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. الگوی رگرسیون پژوهش با استفاده از روش داده های ترکیبی با رویکرد تلفیقی، بررسی و آزمون شد. نتایج بدست آمده نشان می دهد که عدم تمکین مالیاتی، اجتناب از مالیات و فرار مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری بر سطح نگهداشت وجه نقد دارند

واژگان کلیدی: عدم تمکین مالیاتی، اجتناب از مالیات، فرار مالیاتی و سطح نگهداشت وجه نقد

مقدمه

مالیات بخشی از درآمدها یا سودهای فعالیتهای اقتصادی جامعه است که نصیب دولت می شود چرا که ابزار و امکانات دستیابی به این درآمدها و سودها را دولت فراهم نموده است. به عبارت بهتر، مالیات نوعی هزینه اجتماعی است که افراد جامعه متناسب با استفاده از خدمات اجتماعی، پرداخت آن را تقبل می نمایند (اسکندری، ۱۳۸۳: ۳). همچنین در تعریف صندوق بین المللی پول آمده است که مالیات وجوهی اجباری، غیرجبرانی و غیرقابل برگشت است که دولت برای مقاصد عمومی و اجتماعی مطالبه می نماید.

اهداف دولت از وضع مالیات عبارت است از: تامین قسمتی از هزینه های بخش عمومی مخصوصاً هزینه های جاری دولت، تعدیل توزیع درآمد و ثروت در جامعه و بهبود شاخص های اقتصادی مانند نرخ تورم، نرخ بیکاری، نرخ سرمایه گذاری، مهار برخی پدیده های مخرب اقتصادی مانند رکود یا تورم، کنترل حجم واردات و صادرات و به طور کلی تامین نیازهای جامعه است (شهبازیان، ۱۳۷۳: ۴). از یک طرف، مالیات منبع سالمی جهت تامین هزینه های حاکمیتی دولت به منظور رفع نیازهای ملت است و از طرف دیگر، عامل انگیزشی مهمی در تصمیم گیری های شرکت محسوب می شود. البته باید توجه داشت که نگرش شرکت ها نسبت به قانون مالیات یکسان نبوده و در یک طیف وسیع از تمکین تا عدم تمکین قرار دارد. در صورت تمکین مالیاتی^۱، شرکت سهم عادلانه خود از مالیات واقعی را به دولت به منظور تامین مالی کالاهای عمومی و خدمات اجتماعی پرداخت می نماید (فریدمن، ۲۰۰۳؛ فریز و همکاران، ۲۰۰۸: ۱-۱۲). بدین ترتیب تحقق درآمد مالیاتی دولت در نتیجه تمکین مالیاتی شرکتی در تمام کشورها اعم از توسعه یافته و در حال توسعه، موجب رونق سیستم اقتصادی کشور شده و علاوه بر سرمایه گذاری دولت در زیرساخت های اقتصادی، افزایش خدمات اجتماعی و به طور کلی بهبود وضعیت جامعه را به دنبال خواهد داشت (بم الدرد و همکاران، ۲۰۱۳: ۳۹۲). در واقع، تمکین مالیاتی مودیان را می توان ابزاری برای توسعه یک نظام مدنی پیشرو دانست (ناک و کیفیر، ۱۹۹۷). که هم برای رعایت عدالت و انصاف در جامعه (امسیکی، ۱۹۸۹: ۲۱) و هم برای پیشرفت سرمایه اجتماعی (سلمرود، ۱۹۹۲: ۸) ضروری به نظر می رسد.

در مقابل در صورت عدم تمکین مالیاتی^۲، شرکت سهم عادلانه خود از مالیات واقعی را به دولت به منظور تامین مالی کالاهای عمومی و خدمات اجتماعی پرداخت نمی نماید و به عبارتی از پرداخت مالیات می گریزد (فریدمن، ۲۰۰۳؛ فریز و همکاران، ۲۰۰۸: ۳-۸). عدم تحقق درآمد مالیاتی دولت در نتیجه عدم تمکین مالیاتی شرکتی، مشکل عمده ای است که موجب اختلال در سیستم اقتصادی کشور شده و ممکن است خسارات اقتصادی و اجتماعی زیادی به جامعه تحمیل نماید (سلمرود، ۲۰۰۴؛ ویلیامز، ۲۰۰۷: ۲-۸۷۸). در واقع، از آنجا که تمکین مالیاتی شرکتی متضمن تامین مالی کالاهای عمومی و خدمات اجتماعی است (فریز و همکاران، ۲۰۰۸: ۳)، عدم تمکین مالیاتی شرکت می تواند اثرات منفی و غیرقابل جبرانی بر وضعیت اجتماع داشته باشد و به بنیان های جامعه آسیب وارد نماید (فریدمن، ۲۰۰۳؛ سلمرود، ۲۰۰۴؛ لندولف، ۲۰۰۶: ۳-۷-۸۸۱).

توانایی دولت در اخذ مالیات، باعث می شود که نسبت به وجوه نقد شرکت ها از ادعای با اهمیتی برخوردار باشد. در نتیجه شرکت ها، زمان، پول و تلاش قابل ملاحظه ای را صرف محدود کردن پرداخت های مالیاتی شان می کنند. استدلال اولیه این بحث، این است که کاهش پرداخت های مالیات به نفع سایر مدعیان منافع شرکت از جمله سهامداران آن است. درحالی که در این نتیجه گیری دو مسأله کلیدی در نظر گرفته نشده است. اول، استراتژی های اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی در بر گیرنده چه چیزی است؟ و دوم، ویژگی شرکت که شامل جدایی مالکیت و کنترل است به طور حتم منجر به تضاد منافع مدیران و سهامداران می شود. تضاد منافع منجر به اتلاف سریعتر وجه نقد و نتیجتاً کاهش سطح نگه داشت وجه نقد می شود. علاوه بر این، تعارضات مالکیتی می تواند تأثیری منفی بر ارزش سطح نگهداشت وجه نقد شرکت بگذارد. در نتیجه به این خاطر که استراتژی های مورد استفاده برای اجتناب از پرداخت مالیات و فرار مالیاتی، مستلزم محدود کردن جریان اطلاعات شرکت به بازار سرمایه و سایر مراجع است، به مدیران اجازه می دهد از منابع شرکت، بدون امکان تشخیص، سوء استفاده کنند و بنابراین عدم تمکین مالیاتی منجر به افزایش سطح نگهداشت وجه نقد شرکت می شود (کیم و همکاران، ۲۰۱۱: ۶۴۱).

حال با توجه به اهمیت وجه نقد در فرآیند تصمیم گیری هر شرکت و همچنین اهمیت دیدگاه های مالیاتی یک شرکت (تمکین یا عدم تمکین مالیاتی)، این سؤال مطرح است که عدم تمکین مالیاتی چه تأثیری بر سطح نگهداشت وجه نقد در شرکت دارد؟ از این رو در این مطالعه به دنبال پاسخگویی به این سؤال هستیم. به همین منظور این مطالعه در شش بخش کلی تقسیم شده است: در بخش دوم، مبانی نظری مربوط به عدم تمکین مالیاتی، نگهداشت وجه نقد و رابطه عدم تمکین مالیاتی با نگهداشت وجه نقد مورد توجه قرار می گیرد. بخش سوم این مقاله به مروری بر مطالعات پیشین پرداخته و در بخش چهارم الگوی مورد نظر و همچنین روش های مورد استفاده در مقاله حاضر ارائه می شود. بخش پنجم به ارائه نتایج تجربی و در بخش ششم و پایانی نیز با توجه به یافته های پژوهش پیشنهادهایی ارائه خواهد شد.

¹ Tax compliance² Lack of tax compliance

۱- مبانی نظری پژوهش

مفهوم عدم تمکین مالیاتی

با توجه به تفاوت در باورها، ترجیحات و تصمیمات شرکت‌ها نسبت به اقدامات اجتماعی از جمله سیاست‌های مالیاتی، رفتار مودیان مالیاتی در برابر قانون مالیات یکسان نبوده و در یک طیف وسیع از تمکین تا عدم تمکین قرار دارد. در یک سوی طیف رفتاری مودیان، تمکین مالیاتی قرار گرفته است و منظور از تمکین مالیاتی این است که مودیان، قوانین و مقررات مالیاتی کشور را رعایت می‌کنند. این رعایت شامل ثبت نام در سیستم مالیاتی، تسلیم اظهارنامه، نگهداری و ارائه اسناد و مدارک، محاسبه، گزارش و پرداخت صحیح و کامل بدهی مالیاتی در زمان مقرر می‌باشد، بنابراین تمکین مالیاتی یعنی رعایت قانون مالیات از سوی مودی (شمیرانی و اسدزاده بالی، ۱۳۸۶: ۲) که در نهایت موجب افزایش درآمدهای مالیاتی دولت و بهبود وضعیت جامعه می‌شود. طبق ماده ۱۰۵ قانون مالیات‌های مستقیم، جمع درآمد شرکت‌ها و درآمد ناشی از فعالیت‌های انتفاعی سایر اشخاص حقوقی که از منابع مختلف در ایران یا خارج از ایران تحصیل می‌شود، پس از وضع زبان‌های حاصل از منابع غیرمعاف و کسر معافیت‌های مقرر به استثنای مواردی که طبق مقررات این قانون دارای نرخ جداگانه‌ای می‌باشد، مشمول مالیات به نرخ ۲۵ درصد خواهند بود. رعایت قوانین و مقررات مالیاتی توسط شرکت یعنی انطباق هرچه بیشتر مالیات ابرازی (که بر اساس قوانین و مقررات تعیین شده و توسط شرکت در اظهارنامه مالیاتی موضوع ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم درج می‌شود) با مالیات قطعی (که از جانب مأموران مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور تشخیص داده شده و قطعی می‌شود) و این یعنی همان تمکین مالیاتی از سوی مودی.

در سوی دیگر طیف رفتاری مودیان، عدم تمکین قرار دارد. مفهوم عدم تمکین مالیاتی نیز شامل یک طیف وسیع از اجتناب مالیاتی تا فرار مالیاتی است. میزان عدم تمکین مالیاتی را می‌توان با "شکاف مالیاتی" اندازه‌گیری نمود. شکاف مالیاتی عبارت است از میزان مالیات وصولی منهای مالیاتی که در صورت تمکین کامل مودیان قابل حصول بود (آقائی، ۱۳۸۰: ۸). هرچند اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی هر دو از مصادیق عدم تمکین هستند اما تفاوت اساسی آنها در این است که اجتناب مالیاتی، عدم تمکین قانونی (استفاده از راه‌های قانونی برای عدم پرداخت مالیات) است، در حالی که فرار مالیاتی، عدم تمکین غیرقانونی (استفاده از راه‌های غیرقانونی از جمله کتمان درآمد، حساب‌سازی و ...) برای گریز از پرداخت مالیات است (پور مقیم و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۳). متأسفانه اقدامات مدیریتی طراحی شده به منظور به حداقل رساندن مالیات شرکت یا همان عدم تمکین مالیاتی اعم از اجتناب یا فرار، به طور فزاینده‌ای در حال تبدیل به یکی از ویژگی‌های مشترک اغلب شرکت‌ها در سراسر جهان است (هوی و همکاران، ۲۰۱۳: ۱۰). تمکین مالیاتی به مفهوم پای‌بندی مودیان به تکالیف مالیاتی و رعایت قانون مالیاتی از سوی آنها می‌باشد.

هر گونه تلاش غیرقانونی برای پرداخت نکردن مالیات مانند ندادن اطلاعات لازم در مورد عواید و منافع مشمول مالیات به مقامات مسوول، فرار مالیاتی خوانده می‌شود. تعریف فرار مالیاتی، برای انواع مالیات‌ها یکسان است (اشرف زاده و همکاران، ۱۳۷۹: ۲۶). از آنجا که اجتناب از پرداخت مالیات فعالیت به ظاهر قانونی است، از این رو بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید است (صمیمی و همکاران، ۱۳۸۴: ۴). به عبارت دیگر، اجتناب از مالیات، یک نوع سوء استفاده رسمی از قوانین مالیاتی است. بنابراین اجتناب مالیاتی، قانونی و برای کاهش تعهدات مالیاتی فرد با دور زدن قانون یا استفاده کامل از ظرایف قانونی است، اما تقلب یا فرار مالیاتی، غیرقانونی و مبادرت عمدی به اعمال خلاف قانون مانند گزارش غیرواقعی درآمد و فروش، کسورات و تنظیم اظهارنامه‌ها است (اشرف زاده و همکاران، ۱۳۷۹: ۴۱).

مفهوم نگهداشت وجه نقد

در استاندارد حسابداری شماره ۲، وجه نقد این گونه تعریف شده است: «وجه نقد عبارت است از موجودی نقد و سپرده‌های دیداری نزد بانک‌ها و مؤسسات مالی اعم از ریالی و ارزی (شامل سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه مدت بدون سررسید) به کسر اضافه برداشت‌هایی که بدون اطلاع قبلی مورد مطالبه قرار می‌گیرد».

وجه نقد از اقلام مهم دارایی‌های جاری در فرآیند اجرای عملیات شرکت‌ها و واحدهای انتفاعی تلقی می‌شود (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۴). اگر چه وجه نقد ارائه شده در ترازنامه، دارایی مهمی برای شرکت به حساب می‌آید، نگهداری این دارایی بیش از اندازه می‌تواند نشانه‌ای از عدم کارایی تخصیص منابع باشد و هزینه‌هایی را به عهده شرکت تحمیل کند (قائم‌ی و علوی، ۱۳۹۱: ۶۸). انتظار می‌رود سطح نگهداشت وجه نقد در شرکت با عوامل متعددی در ارتباط باشد، برخی از این عوامل شامل اندازه شرکت، مخارج سرمایه‌ای، خالص سرمایه در گردش غیرنقدی، فرصت‌های رشد شرکت و بدهی‌های کوتاه‌مدت است. شرکت‌هایی که اندازه بزرگتری دارند نسبت به شرکت‌هایی که اندازه کوچکتری دارند وجه نقد کمتری نگهداری می‌کنند، برای اینکه آنها به سطح معینی از وجه نقد برای صرفه‌جویی ناشی از مقیاس در چرخه تولید نیاز دارند. از سوی دیگر انتظار می‌رود اندازه شرکت به دلیل دسترسی بهتر شرکت‌های بزرگ به منابع مالی خارجی دارای تاثیر منفی بر سطح نگهداشت وجه نقد باشد (لو و همکاران، ۲۰۱۳: ۴۴).

مهم ترین عامل نگهداری وجه نقد مازاد، عدم تقارن اطلاعاتی و مشکلات ناشی از آن است (سابرامانیان و همکاران، ۲۰۱۱: ۷۶۳). عدم تقارن اطلاعاتی به معنای نابرابری اطلاعات بین دو طرف قرارداد است که موجب بوجود آمدن دو دسته اشخاص آگاه و ناآگاه می گردد، عاملی که بر روابط بین ذی نفعان (سهامداران و سرمایه گذاران) و شرکت تأثیر می گذارد (فخاری و تقوی، ۱۳۸۸: ۷۱). نتایج پژوهش های تجربی باتاچاریا و همکاران (۲۰۰۳: ۶۷۶)، فرانسسیس و همکاران (۲۰۰۴: ۱۰۰۸) و اوزکان و اوزکان (۲۰۰۴: ۲۱۲۹) نشان می دهد، افزایش عدم تقارن اطلاعاتی، انگیزه نگهداری دارایی های نقدی بالایی را برای شرکت ها ایجاد می کند. به عبارت دیگر وجود عدم تقارن اطلاعاتی باعث افزایش هزینه سرمایه شرکت شده و تأمین وجوه از ابزارهای مالی به نفع شرکت نخواهد بود (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۳).

مفهوم عدم تمکین مالیاتی و تاثیر آن بر نگهداشت وجه نقد

در بعضی موارد، شرکت باید مبلغ کامل مالیات پرداختی را قبل از قطعی شدن بپردازد و سپس برای بازپرداخت مالیات بر ارزش افزوده، تقاضای صورتحساب می کند. بنابراین، داشتن ذخیره احتیاطی^۳ مناسب برای پیش پرداخت مالیات باعث انعطاف پذیر بودن شرکت در دعاوی مطروحه مالیاتی می شود و قدرت چانه زنی شرکت در دعاوی مالیاتی را بالا می برد. اگر شرکت پول کافی جهت پیش پرداخت مالیات نداشته باشد، مشمول جرائم و بدهی های مالیاتی شده، در نتیجه هزینه سرمایه افزایش می یابد. بنابراین شرکت مقداری وجه نقد برای جلوگیری از جرائم مالیاتی نگهداری خواهد کرد. حتی اگر شرکت در اختلافات مالیاتی پیروز شود، دفاع از چالش ها گران است، و نتیجه اغلب نامطلوب است. در صورت مذاکره با مقامات مالیاتی، اگر شرکت ها توانایی دفاع از خواسته های خود در دادگاه را داشته باشند در موقعیتی بهتر از چانه زنی قرار می گیرند. با این حال دعاوی مطروحه باعث لطمه به اعتبار شرکت در بازار و کاهش میزان سرمایه گذاری، افزایش هزینه سرمایه و در نتیجه کاهش ارزش شرکت می شود، بنابراین، شرکت ها باید توانایی مالی برای دفاع از ادعای خود را داشته باشند. همچنین شرکت ها ممکن است برای بهره وری از تخفیفات مالیاتی در اثر پرداخت به موقع مالیات میزان وجه نقد بیشتری را نگهداری کنند (دسای و همکاران، ۲۰۰۷: ۵۹۲). جان و همکاران (۲۰۱۰) در بررسی خود نشان دادند که رابطه مثبتی بین عدم پرداخت مالیات و نوسانات وجه نقد وجود دارد. رگو و ویلسون (۲۰۱۲) رابطه بین ریسک مالیات شرکتی و نوسانات درآمد و سهام را بررسی کردند. آنها یک رابطه مثبت بین ریسک مالیات شرکتی و دوجانبه بودن بازده سهام و انحراف معیار سود قبل از مالیات پیدا کردند، همچنین نتایج آنان نشان داد رابطه مثبتی بین اجتناب مالیاتی و نوسانات جریان نقدی وجود دارد. اوپلر و همکاران (۱۹۹۹) دریافتند که شرکت هایی که نوسانات جریان نقدی بیشتر دارند، میزان وجه نقد بیشتری نسبت به دارایی های غیر نقد خود نگهداری می کنند. بیتس و همکاران (۲۰۰۹) دریافتند که نسبت نقدینگی به دارایی های غیر نقد در شرکت های آمریکایی از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۶ دو برابر شده است، این افزایش میزان وجه نقد نگهداری شده به دلیل درگیر شدن شرکت ها با مشکلات نمایندگی می باشد. پس از بررسی مطالعات انجام شده، روشن است که افزایش نوسانات جریان نقدی شرکت ها می تواند از پرداخت نقدی ناشی شود، و شرکت ها نیاز به نگهداری نقدینگی بیشتری برای پاسخگویی به شرایط برای جلوگیری از جرائم لازم دارند. با افزایش فرار و اجتناب مالیاتی شرکت، نوسان جریان نقدی شرکت افزایش خواهد یافت و شرکت ها نیز میزان وجه نقد بیشتری را نگهداری می کنند. از سوی دیگر، اجتناب از مالیات، بنگاه ها را از لحاظ مالی محدود می کند، که بر روی سیاست نگهداری نقدی تأثیر می گذارد. بالکریشان و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی شفافیت اطلاعاتی در شرکت هایی که دارای مدیریت مالیاتی هستند پرداختند. نتایج بررسی آنان نشان داد اجتناب مالیاتی می تواند پیچیدگی مالی^۴ سازمان را افزایش دهد و تا حدی که این پیچیدگی مالی بزرگ قابل درک برای استفاده کنندگان اطلاعات مالی نمی باشد و مشکلات شفافیت اطلاعاتی افزایش می یابد. در نتیجه عدم تقارن اطلاعاتی افزایش یافته، توانایی پیش بینی تحلیل گران از وضعیت شرکت کاهش یافته و در نتیجه سرمایه گذاران برای انتخاب سهام شرکت با شک و تردید مواجه خواهند شد. کاهش میزان سرمایه گذاری در شرکت در اثر عدم تقارن اطلاعات شرکت را با محدودیت مالی مواجه خواهد کرد (مایرز و همکاران، ۱۹۸۴: ۲). بنابراین، چنین شرکت هایی میزان وجه نقد بیشتری را نگهداری خواهند کرد (وانگ و ژوو، ۲۰۱۳: ۳۲۳).

۲- مطالعات پیشین

لانیز و ریچاردسون (۲۰۱۱) در پژوهش گسترده ای نشان دادند که اصول مسئولیت اجتماعی شرکتی به طور بالقوه می توانند عدم تمکین مالیاتی شرکت را از طریق هیات مدیره آن شرکت تحت تأثیر قرار دهند. آنها بیان نمودند که مدیران غیرموظف، نسبت به نیازهای جامعه مسئولیت پذیرتر بوده و بیشتر پاسخگو می باشند، در نتیجه ممکن است کل هیات مدیره را تحت تأثیر قرار داده و آنها را از موضع رفتارهای اجتماعی غیرمسئولانه و اتخاذ سیاست های عدم تمکین مالیاتی دور نمایند.

³ Safety stock

⁴ Financial complexity

دالیوال و همکاران (۲۰۱۱) در مطالعه ای با عنوان "اجتناب مالیاتی و ارزش و سطح نگهداشت وجه نقد" به بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و میزان وجوه نقد نگهداری شده توسط شرکت پرداختند. نتایج بررسی های آنها نشان داد که بین اجتناب مالیاتی و میزان وجه نقد نگهداری شده توسط شرکت ها رابطه منفی وجود دارد. آنها همچنین دریافتند که رابطه منفی بین این دو متغیر در شرکت هایی که از نظام راهبری قوی تری برخوردارند، ضعیف تر است. یافته های این مطالعه همچنین نشان داد که ارزیابی سرمایه گذاران از میزان وجه نقد نگهداری شده در شرکت هایی که اقدام به فعالیت های اجتناب مالیاتی کرده اند، کمتر است.

لانیز و ریچاردسون (۲۰۱۲) در پژوهش دیگری با تمرکز بر دیدگاه گسترده نسبت به رسالت واقعی شرکت، به این نتیجه رسیدند که مطابق با آنچه که در فرضیه پژوهش بیان شده است، در واقعیت نیز فعالیت های مرتبط با مسئولیت اجتماعی شرکتی رابطه منفی با عدم تمکین مالیاتی شرکت ها دارند.

هوی و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی با این عنوان که آیا مسئولیت اجتماعی شرکتی با گریز مالیاتی شرکتی (عدم تمکین مالیاتی) در ارتباط است یا خیر، به بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی و عدم تمکین مالیاتی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که هرچه شرکت ها در فعالیت های مرتبط با مسئولیت اجتماعی بیشتر مشارکت می نمایند، عدم تمکین مالیاتی آنها کمتر می باشد.

وانگ (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی تأثیر تمکین مالیاتی بر رابطه پرخاشگری مالیاتی با سطح نگهداشت وجه نقد در شرکت های چینی در بازه زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ پرداختند. نتایج بررسی آنان نشان داد با افزایش سطح اجتناب مالیاتی، انگیزه های احتمالی نگهداری پول نقد و همچنین میزان محدودیت مالی افزایش می یابد که باعث می شود سطح پس انداز نقدی شرکت افزایش یابد. در عین حال، گرچه اجتناب مالیاتی سبب کاهش شفافیت و افزایش هزینه های نمایندگی می شود، ولی باعث افزایش میزان وجه نقد نگهداری شده در شرکت می شود. افزون بر این، تمکین مالیاتی میزان شفافیت اطلاعات را افزایش داده و باعث کاهش اجتناب و پرخاشگری مالیاتی می شود و در نتیجه میزان وجه نقد نگهداری شده در شرکت کاهش می یابد.

میشل هانلون و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی رابطه عدم تمکین مالیاتی و سطح نگهداشت وجه نقد پرداختند. نتایج بررسی آنان نشان داد مقامات مالیاتی می توانند موقعیت های مالیاتی شرکت را که خواستار پرداخت های مالیاتی نقدی اضافی هستند را رد کنند. فرض بر این است که شرکت هایی که با عدم اطمینان مالیاتی بیشتری مواجه هستند، پول نقد را برای برآورده شدن نیازهای آینده بالقوه نگهداری می کنند.

قربانی و عدیلی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان "نگهداشت وجه نقد، ارزش شرکت و عدم تقارن اطلاعاتی" به بررسی رابطه بین نگهداشت وجه نقد و ارزش شرکت در وضعیت عدم تقارن اطلاعاتی پرداختند. نتایج پژوهش آنها بیانگر آن است که رابطه منفی و معناداری بین نگهداشت وجه نقد و ارزش شرکت در وضعیت عدم تقارن اطلاعاتی وجود دارد که مطابق با نظریه جریان نقدی آزاد جنسن است. هرچند نتایج این تحقیق با نظریه جریان نقدی آزاد مطابقت دارد، این به معنای رد کامل نظریه سلسله مراتبی نیست. به عبارت دیگر، این تحقیق بیان نمی کند که شرکت ها نباید تامین مالی داخلی را به منابع مالی خارجی ترجیح دهند، بلکه نتایج بیانگر این است که نگهداشت وجه نقد در داخل شرکت به منظور پرهیز از هزینه های تامین مالی خارجی در وضعیت عدم تقارن اطلاعاتی ممکن است برای شرکت بهینه نباشد.

صامتی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی تأثیر اخلاق مالیاتی بر تمکین مالیاتی در شهر اصفهان پرداختند. نتایج بررسی آنان نشان داد متغیرهای نگرش نسبت به فرار مالیاتی، هنجارهای اجتماعی و اعتماد به دولت و سیستم مالیاتی، حقوق و قضای در سطح اطمینان ۹۵ درصد و متغیرسن در سطح اطمینان ۹۰ درصد اثر مثبت و معناداری بر اخلاق مالیاتی دارند، همچنین در سطح اطمینان ۹۵ درصد متغیر اخلاق مالیاتی^۵ اثر مثبت و معناداری بر تمکین مالیاتی دارد.

باباجانی و باقری (۱۳۹۶) در بررسی تحت عنوان «ارائه مدلی برای اندازه گیری تمکین مالیاتی در سطح هر مؤدی مالیاتی (اشخاص حقوقی)» پرداختند. بر اساس مدل این تحقیق، سطح تمکین مؤدی برای هر سال مالیاتی مورد محاسبه قرار می گیرد تا متناسب با سطح تمکین وی، استراتژی های برخورد مناسبی از سوی سازمان مالیاتی اعمال گردد. لازمه این امر وجود ساختار سازمانی مناسبی است که بتواند ضمن جمع آوری داده ها و اطلاعات مربوط به سطح تمکین هر مؤدی و تحلیل آنها، راهکارهای لازم به منظور تدوین و اجرای استراتژی های برخورد با هر مؤدی را ارائه نماید. از این رو پیشنهاد می گردد به منظور بهبود تمکین مالیاتی، در سازمان امور مالیاتی ساختار سازمانی جدیدی به نام «دپارتمان تمکین» تشکیل شود. نتایج بررسی آنان نشان داد با بکارگیری مدل مزبور و تشکیل دپارتمان تمکین مالیاتی و تشویق مشتریان پایبند به قوانین و مقررات مالیاتی می توان تمکین مالیاتی مشتریان را افزایش داد.

۳- فرضیه های پژوهش

با توجه به مبانی نظری مطرح شده فرضیه های پژوهش به صورت زیر بیان می شود؛
فرضیه اول: عدم تمکین مالیاتی تأثیر معناداری بر نگهداشت وجه نقد دارد.
فرضیه دوم: اجتناب از مالیات تأثیر معناداری بر نگهداشت وجه نقد دارد.
فرضیه سوم: فرار مالیاتی تأثیر معناداری بر نگهداشت وجه نقد دارد.

۴- روش پژوهش

تجزیه و تحلیل اطلاعات

در بخش آمار توصیفی، تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از شاخص های مرکزی همچون میانگین و میانه و شاخص های پراکندگی مانند انحراف معیار انجام شده است. همچنین، برای آزمون فرضیه ها از الگوی رگرسیون داده های ترکیبی با رویکرد تلفیقی استفاده شده است. برای انتخاب از بین روش های الگوهای رگرسیونی ترکیبی و الگوی داده های ترکیبی از آزمون F لیمر استفاده می شود. اگر در آزمون F لیمر روش داده های تلفیقی انتخاب شود، کار تمام است اما اگر روش داده های تابلویی انتخاب شود لازم است تا آزمون هاسمن نیز انجام شود. آزمون هاسمن برای تعیین استفاده از الگوی اثرات ثابت در مقابل الگوی اثرات تصادفی استفاده می شود (افلاطونی، ۱۳۹۲).
به دلیل اینکه نتایج حاصل از این پژوهش می تواند در فرایند تصمیم گیری استفاده شود، این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی است. همچنین، این پژوهش از لحاظ ماهیت، توصیفی-همبستگی است، زیرا در این نوع پژوهش ها پژوهشگر به دنبال ارزیابی ارتباط بین دو یا چند متغیر است. در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل داده ها و استخراج نتایج پژوهش از نرم افزار *Excel 2010* و *Eviews 8* و *Stata 14* استفاده شده است. همچنین، سطح اطمینان مورد استفاده برای آزمون فرضیه ها و بررسی فروض کلاسیک رگرسیون ۹۵ درصد است. برای برآورد پارامترهای مدل های رگرسیون، آزمون فروض کلاسیک از اهمیت ویژه ای برخوردار است. از جمله مهم ترین این فروض فرض های مربوط به خود همبستگی و عدم ناهمسانی واریانس بین باقیمانده های مدل است. به منظور تشخیص وجود خود همبستگی بین باقیمانده ها، از آزمون دوربین واتسون (DW) و آماره وولدریج استفاده شد. مقدار این آماره برای مدل های پژوهش، نشان دهنده ی نبود خود همبستگی بین باقیمانده ها است. در خصوص بررسی هم خطی نیز قابل ذکر است که با اینکه استفاده از داده های ترکیبی خود یکی از روش های جلوگیری از بروز هم خطی است، اما برای بررسی وجود احتمالی هم خطی از روش تورم واریانس (Vif) استفاده شد.

جامعه آماری و روش نمونه گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۹۵-۱۳۸۵ است. در این پژوهش به منظور نمونه گیری از روش نمونه گیری هدفمند (حذف نظام مند) استفاده شده است. به این منظور کلیه شرکت های جامعه آماری که دارای شرایط زیر بودند به عنوان نمونه انتخاب و بقیه حذف شد.

۱. به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی آن ها آخر اسفند باشد.
 ۲. به منظور همگن بودن اطلاعات، فعالیت آن ها تولیدی باشد.
 ۳. معاملات سهام آن ها طی دوره پژوهش بیش از سه ماه در بورس اوراق بهادار تهران متوقف نشده باشد.
 ۴. اطلاعات مربوط به متغیرهای انتخاب شده در این پژوهش در دسترس باشد.
- با اعمال شرایط مذکور از بین شرکت های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران، تعداد ۱۰۸ شرکت به عنوان نمونه آماری این پژوهش انتخاب شد.

الگوی پژوهش

با توجه به چارچوب نظری و پیشینه تحقیق، مدل تحقیق از نوع رگرسیون چند متغیره است. بنابراین، الگوهای زیر برای انجام آزمون فرضیه ها انتخاب شده است. برای اندازه گیری سطح نگهداشت وجه نقد از دو معیار نسبت وجه نقد و معادل وجه نقد به کل دارایی ها و نسبت وجه نقد و به مجموع دارایی ها پس از معادل وجه نقد استفاده شده است بنابراین برای آزمون فرضیه پژوهش از دو الگوی زیر استفاده شده است. الگوی (۱) برای آزمون فرضیه اول تا سوم براساس معیار اول سطح نگهداشت وجه نقد

$$CASH_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 Taxubend_{i,t} + \beta_2 Fiveyearcasetr_{i,t} + \beta_3 Fiverepatriaationtaxcost_{i,t} + \beta_4 dividendpayout_{i,t} + \beta_5 volatilityofcashflows_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \beta_7 SIZE_{i,t} + \beta_8 MTB_{i,t} + \varepsilon_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

الگوی (۲) برای آزمون فرضیه اول تا سوم براساس معیار دوم سطح نگهداشت وجه نقد

$$CASHNET_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 Taxubend_{i,t} + \beta_2 Fiveyearcashetr_{i,t} + \beta_3 Fiverepatriaationtaxcost_{i,t} + \beta_4 dividendpayout_{i,t} + \beta_5 volatlityofcashflows_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \beta_7 SIZE_{i,t} + \beta_8 MTB_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (2)$$

متغیرهای الگو در جدول (۱) تعریف شدند.

جدول ۱: تعریف متغیرهای الگو

نماد	متغیر مورد بررسی
CASH	نسبت وجه نقد و معادل وجه نقد به مجموع دارایی ها
CASHNET	نسبت وجه نقد به مجموع دارایی ها پس از کسر معادل وجه نقد
Taxubend	عدم تمکین مالیاتی
Fiveyearcashetr	میانگین ۵ ساله نرخ موثر مالیات (اجتناب از مالیات)
Fiverepatriaationtaxcost	میانگین ۵ ساله تفاوت سود مشمول مالیات ابراز شده و سود مشمول مالیات قطعی شده به مجموع دارایی ها (فرار مالیاتی)
Lev	اهرم مالی
Size	اندازه واحد تجاری
Dividendpayout	پرداخت سود سهام
Volatlityofcashflows	انحراف معیار نسبت جریان نقد عملیاتی به دارایی های واحد تجاری
MTB	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام

متغیرهای پژوهش

متغیرهای این پژوهش مشتمل بر سه دسته متغیر مستقل، متغیر وابسته و متغیر کنترلی به شرح زیر است:

متغیرهای مستقل

عدم تمکین مالیاتی (*Taxubend*)

در این پژوهش مطابق پژوهش میشل هانلون و همکاران (۲۰۱۷) برای اندازه گیری عدم تمکین مالیاتی از نسبت ذخیره مالیات به مجموع دارایی های واحد تجاری استفاده شده است و به شرح رابطه (۳) اندازه گیری می شود.

$$Taxubend_{r_{i,t}} = \frac{income\ taxes\ payable_{i,t}}{TA_{i,t}} \quad (3)$$

Taxubend: عدم تمکین مالیاتی

income taxes payable: ذخیره مالیات

TA: مجموع دارایی های واحد تجاری

اجتناب از مالیات (*Fiveyearcashetr*)

در این پژوهش مطابق پژوهش میشل هانلون و همکاران (۲۰۱۷) برای اندازه گیری اجتناب از مالیات از میانگین پنج (۵) سال اخیر نسبت نرخ موثر مالیات استفاده شده است و به شرح رابطه (۴) اندازه گیری می شود.

$$Fiveyearcashetr_{r_{i,t}} = \sum_{\theta=1}^{\theta=5} \frac{total\ tax\ expence_{i,t}}{pre\ tax\ incom_{i,t}} \quad (4)$$

که در رابطه فوق، *total tax expence_{it}* نشان دهنده کل هزینه مالیات شرکت *i* در سال *t* و *pre tax incom_{it}* نشان دهنده سود قبل از مالیات شرکت *i* در سال است، *Fiveyearcashetr* میانگین نرخ موثر سال اخیر و این معیار معکوس اجتناب از مالیات می باشد و نرخ موثر کمتر نشان دهنده این است که یک شرکت در سطح نسبتا بالایی در گیر اجتناب مالیاتی است. شرکت های درگیر در اجتناب مالیات شرکت های هستند که هدف آن ها بدست آوردن مزایای نقدی مالیاتی است.

فرار مالیات (Fiverepatriaationtaxcost).

در این پژوهش مطابق پژوهش میشل هانلون و همکاران (۲۰۱۷) برای اندازه گیری فرار مالیاتی از میانگین پنج سال اخیر تفاوت سود مشمول مالیات ابراز شده و سود مشمول مالیات قطعی شده به مجموع دارایی های واحد تجاری استفاده شده است و به شرح رابطه (۵) اندازه گیری می شود.

$$Fiverepatriaationtaxcost_{r_{i,t}} = \sum_{\theta=1}^{\theta=5} \frac{(ACCINC_{i,t} - TAXINC_{i,t})/ASS_{i,t}}{N} \quad (5)$$

$Fiverepatriaationtaxcost_{i,t}$ میانگین فرار مالیاتی سال اخیر شرکت i در پایان سال مالی $ACCINC_{i,t}$ سود قبل از کسر مالیات شرکت i در پایان سال مالی $TAXINC_{i,t}$ سود مشمول مالیات ابرازی شرکت i در پایان سال مالی t ؛ که سود مشمول مالیات ابرازی خود از تقسیم هزینه مالیات ابرازی تقسیم بر نرخ مالیات، به دست می آید و $ASS_{i,t}$ مجموع دارایی های شرکت i در پایان سال مالی t .

متغیر وابسته تحقیق

سطح نگهداشت وجه نقد

در این پژوهش برای اندازه گیری سطح نگهداشت وجه نقد مطابق پژوهش میشل هانلون و همکاران (۲۰۱۷) از دو معیار نسبت وجه نقد و معادل وجه نقد به کل دارایی و نسبت وجه نقد به مجموع دارایی ها پس از کسر وجه نقد و معادل وجه نقد استفاده شده است. متغیرهای کنترلی:

اندازه شرکت ($SIZE$): برابر با لگاریتم جمع ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت (میشل هانلون و همکاران، ۲۰۱۷).
نسبت ارزش بازار به دفتری حقوق صاحبان سهام (MTB): برابر با تقسیم ارزش دفتری شرکت بر ارزش بازار شرکت است (میشل هانلون و همکاران، ۲۰۱۷).

اهرم مالی (LEV): برابر با تسهیلات مالی (کوتاه مدت و بلند مدت) تقسیم بر جمع دارایی های شرکت (میشل هانلون و همکاران، ۲۰۱۷).
نسبت سود تقسیمی ($dividendpayout$): نسبت سود تقسیم به کل دارایی ها (میشل هانلون و همکاران، ۲۰۱۷).
نسبت جریان های نقد عملیاتی ($volatilityofcashflows$): انحراف معیار ۵ سال اخیر نسبت جریان های نقد عملیاتی به کل دارایی های واحد تجاری (میشل هانلون و همکاران، ۲۰۱۷).

۶- یافته های پژوهش

آماره های توصیفی

نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول (۲) نشان داده شده است.

جدول (۲): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
CASH	۰/۰۶۶	۰/۰۴۰۸	۰/۴۷۹	۰/۰۰۰	۰/۰۷۵۴
CASHNET	۰/۰۴۷۱	۰/۰۲۷۸	۰/۴۶۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۵۶۱
TXTUBEND	۰/۰۲۸۲	۰/۰۲۱۵	۰/۲۰۵	۰/۰۰۰	۰/۰۲۶۱
FIVEYEARCASHETR	۰/۱۰۴۳	۰/۱۰۴۱	۰/۲۶۰	۰/۰۰۰	۰/۰۷۶۶
FIVEREPATRIATIONTAXCOST	۰/۱۴۹	۰/۱۲۴	۰/۵۴۶	۰/۰۰۰۴	۰/۱۱۷
LEV	۰/۶۱۲	۰/۶۳۲	۰/۹۹۶	۰/۰۱۲۷	۰/۲۱۴
SIZE	۱۴/۲۲۷	۱۴/۰۰۳	۱۹/۰۶۶	۱۰/۹۵۲	۱/۴۵۹
MTB	۲/۸۷۶	۲/۲۶۸	۱۵/۴۵۱	۰/۲۳۴	۲/۱۷۶
DIVIDENDPAYOUT	۰/۸۰۴	۱	۱	۰/۰۰۰۰	۰/۳۹۷
VOLATILITYOFCASHFLOWS	۰/۰۷۵	۰/۰۶۶	۰/۵۰۷	۰/۰۱۱	۰/۰۴۲

* منبع: یافته های پژوهش

جدول (۲) آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش را نشان می دهد که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزا است. این پارامترها عمدتاً شامل اطلاعات مربوط به شاخص های مرکزی، نظیر بیشینه، کمینه، میانگین و میانه و همچنین اطلاعات مربوط به شاخص های پراکندگی نظیر انحراف معیار است. مهم ترین شاخص مرکزی میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده ها است. برای مثال میانگین متغیر ارزش شرکت (SIZE) برابر است با ۱۴/۲۲۷ است که نشان می دهد بیشتر داده های مربوط به این متغیر حول این نقطه تمرکز یافته اند. میانه یکی دیگر از شاخص های مرکزی است که وضعیت جامعه را نشان می دهد. همان گونه که در جدول (۲) مشاهده می شود، میانه متغیر نسبت وجه نقد و معادل وجه نقد به مجموع دارایی ها (CASH) برابر با ۰/۰۴۸ که نشان می دهد نیمی از داده ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. به طور کلی، پارامترهای پراکندگی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده ها با یکدیگر یا میزان پراکندگی آن ها نسبت به میانگین است از جمله مهم ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای متغیر نسبت ارزش بازار به دفتری حقوق صاحبان سهام (MTB) برابر ۲/۱۷۶ و برای متغیر انحراف معیار عدم تمکین مالیاتی (TXTUBEND) برابر با ۰/۰۲۶۱ است که نشان می دهد در بین متغیرهای پژوهش، MTB و TXTUBEND به ترتیب دارای بیشترین و کمترین میزان پراکندگی هستند. همچنین، لازم به توضیح است به منظور اجتناب از تأثیر داده های پرت بر نتایج تحقیق، کلیه داده های پرت متغیرها در سطح یک درصد حذف شده اند.

آمار استنباطی

قبل از برآورد مدل ها، ابتدا باید با اجرای آزمون های چاو، برش-پاگان و هاسمن، الگوی مناسب برآورد هر مدل مشخص شود؛ نتایج این آزمون در جدول (۳) مشاهده می شود. در خصوص مدل پژوهش معنادار نبودن آزمون های چاو و برش-پاگان نشان می دهد مدل یاد شده با استفاده از الگوی اثرهای مشترک (تلفیقی) برآورد شده اند.

جدول (۳): نتایج آزمون های انتخاب الگوی مناسب برآورد مدل ها

الگوی مورد بررسی	آزمون چاو		برش پاگان	
	آماره	معناداری	آماره	معناداری
الگوی شماره (۱)	۲/۰۶	۰/۰۵۵۶	۰/۶۹	۰/۲۰۳۷
الگوی شماره (۲)	۲/۰۴	۰/۰۵۸۷	۰/۵۷	۰/۲۲۳

* منبع: یافته های پژوهش

با این حال، در برآورد الگوهای (۱ و ۲) پژوهش معنادار نبودن آماره های چاو و بروش - پاگان بیان کننده این است که مدل های یاد شده با بکار گیری الگوی اثرهای مشترک (تلفیقی) برآورد شده است.

جدول (۴): نتایج حاصل از برآورد مدل پژوهش

متغیر	ضریب متغیر	آماره تی	سطح خطا	Vif آماره
α_0	۰/۱۲۳	۴/۲۴	۰/۰۰۰	
Taxubend	۰/۲۹۱	۲/۷۴	۰/۰۰۰	۱/۱۵
Fiveyearcasetr	-۰/۱۴۳	-۴/۱۱	۰/۰۰۰	۱/۰۷
Fiverepatriatationtaxcost	۰/۱۱۷	۴/۱۴	۰/۰۰۰	۱/۶۷
Lev	-۰/۰۴۳۵	-۲/۸۶	۰/۰۰۴	۱/۵۸
Size	-۰/۰۰۳۳	-۱/۷۶	۰/۰۷۹	۱/۱۷
dividendpayout	-۰/۰۱۳۴	-۱/۹۳	۰/۰۵۳	۱/۱۳
volatlityofcashflows	۰/۱۵۶	۲/۵۵	۰/۰۱۱	۱/۰۴
MTB	۰/۰۰۲۱	۱/۷۸	۰/۰۷۶	۱/۰۸
ضریب تعیین	۰/۱۱۹			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۱۱۸			

آماره ی دوربین-واتسون	۱/۵۱۶
آماره ی F	۱۰۰/۲۸
احتمال آماره ی F	۰/۰۰۰
آماره وولدریچ	۰/۰۸۳
احتمال آماره وولدریچ	۰/۷۸۳

*منبع: یافته های پژوهش

با توجه به نتایج قابل مشاهده در جدول (۴) و با توجه به آماره ی F بدست آمده (۱۰۰/۲۸) و سطح خطای آن (۰/۰۰۰)، می توان ادعا کرد که در مجموع الگوی پژوهش از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین، با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده برای الگو که برابر ۱۱ درصد است، می توان بیان کرد که در مجموع متغیرهای مستقل و کنترلی پژوهش بیش از ۱۱ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می دهند. افزون بر این، با توجه به مقدار آماره ی دوربین واتسون که برابر ۱/۵۱۶ و معنادار نبودن آماره وولدریچ (۰/۷۸۳) به این معناست که باقی مانده مدل پژوهش با هم خود همبستگی سریالی ندارند. هم چنین مقادیر تورم واریانس (آماره vif) بیان می کند متغیرهای مستقل، مشکل هم خطی ندارند.

جدول (۵): نتایج حاصل از برآورد مدل پژوهش

متغیر	ضریب متغیر	آماره تی	سطح خطا	Vif آماره
α_0	۰/۰۶۱۱	۲/۷۷	۰/۰۰۶	
<i>Taxubend</i>	۰/۲۷۲	۳/۳۷	۰/۰۰۰	۱/۱۵
<i>Fiveyearcasetr</i>	-۰/۰۵۵	-۲/۰۹	۰/۰۳۶	۱/۰۷
<i>Fiverepatriatationtaxcost</i>	۰/۰۶۰۸	۲/۸۲	۰/۰۰۵	۱/۶۷
<i>lev</i>	-۰/۰۲۱۶	-۱/۸۸	۰/۰۶۰	۱/۵۸
<i>Size</i>	-۰/۰۰۱۶	-۱/۱۵	۰/۲۵۱	۱/۱۷
<i>dividendpayout</i>	-۰/۰۰۷۵	-۱/۴۴	۰/۱۴۹	۱/۱۳
<i>volatlityofcashflows</i>	۰/۱۷۱	۳/۶۸	۰/۰۰۰	۱/۰۴
<i>MTB</i>	۰/۰۰۱۸	۱/۹۵	۰/۰۵۱	۱/۰۸
ضریب تعیین	۰/۸۶۹			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۸۴۶			
آماره ی دوربین-واتسون	۱/۶۱۳			
آماره ی F	۶۹/۰۶			
احتمال آماره ی F	۰/۰۰۰			
آماره وولدریچ	۰/۰۹۳			
احتمال آماره وولدریچ	۰/۷۷۱			

*منبع: یافته های پژوهش

با توجه به نتایج قابل مشاهده در جدول (۵) و با توجه به آماره ی F بدست آمده (۶۹/۰۶) و سطح خطای آن (۰/۰۰۰)، می توان ادعا کرد که در مجموع الگوی پژوهش از معناداری بالایی برخوردار است. همچنین، با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده برای الگو که برابر ۸ درصد است، می توان بیان کرد که در مجموع متغیرهای مستقل و کنترلی پژوهش بیش از ۸ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می دهند. افزون بر این، با توجه به مقدار آماره ی دوربین واتسون که برابر ۱/۶۱۳ و معنادار نبودن آماره وولدریچ (۰/۷۷۱) به این معناست که باقی مانده مدل پژوهش با هم خود همبستگی سریالی ندارند. هم چنین مقادیر تورم واریانس (آماره vif) بیان می کند متغیرهای مستقل، مشکل هم خطی ندارند.

۶- نتایج آزمون فرضیه های پژوهش

آزمون فرضیه اول

فرضیه اول: به تأثیر عدم تمکین مالیاتی بر نگهداشت وجه نقد می پردازد. در این پژوهش برای اندازه گیری سطح نگهداشت وجه نقد از دو معیار نسبت وجه نقد و معادل وجه نقد به کل دارایی ها و نسبت وجه نقد به مجموع دارایی ها پس از کسر وجه نقد و معادل وجه نقد استفاده شده است. با توجه به نتایج بدست آمده در جدول (۴ و ۴) از برآورد الگوهای (۱ و ۲)، ضریب عدم تمکین مالیات بر (نسبت وجه نقد به کل دارایی و نسبت وجه نقد به خالص دارایی ها) به ترتیب برابر با ۰/۲۹۱ و ۰/۲۷۲ است و با توجه به $P-Value$ آن که برابر با ۰/۰۰۰ و ۰/۰۰۰ کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است. بنابراین، ضریب مثبت عدم تمکین مالیاتی نشان دهنده آن است که افزایش عدم تمکین مالیاتی موجب افزایش نگهداشت وجه نقد می شود. در نتیجه، این فرضیه در سطح اطمینان ۰/۹۵ مورد تأیید قرار می گیرد. نتیجه آزمون این فرضیه منطبق با مبانی نظری و با پژوهش میشل هانلون و همکاران (۲۰۱۷) مطابقت دارد.

آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم به تأثیر اجتناب از مالیات بر نگهداشت وجه نقد می پردازد. در این پژوهش برای اندازه گیری اجتناب از مالیات از نرخ موثر مالیات (معیار معکوس اجتناب از مالیات) سطح نگهداشت وجه نقد از دو معیار نسبت وجه نقد و معادل وجه نقد به کل دارایی ها و نسبت وجه نقد به مجموع دارایی ها پس از کسر وجه نقد و معادل وجه نقد استفاده شده است با توجه به نتایج بدست آمده در جدول (۴ و ۴) از برآورد الگوهای (۱ و ۲)، ضریب نرخ موثر مالیات (معیار معکوس اجتناب از مالیات) بر (نسبت وجه نقد به کل دارایی و نسبت وجه نقد به خالص دارایی ها) به ترتیب برابر با ۰/۱۴۳- و ۰/۰۵۵- است و با توجه به $P-Value$ آن که برابر با ۰/۰۰۰ و ۰/۰۳۶ کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است. بنابراین، ضریب منفی نرخ موثر مالیات نشان دهنده آن است که کاهش (افزایش) نرخ موثر مالیات موجب افزایش (کاهش) اجتناب از مالیات می شود و در نتیجه افزایش (کاهش) اجتناب از مالیات نگهداشت وجه نقد افزایش (کاهش) می یابد. و به طور خلاصه می توان بیان کرد که افزایش اجتناب از مالیات موجب افزایش سطح نگهداشت وجه نقد می شود در نتیجه، این فرضیه در سطح اطمینان ۰/۹۵ مورد تأیید قرار می گیرد. نتیجه آزمون این فرضیه منطبق با مبانی نظری و با پژوهش میشل هانلون و همکاران (۲۰۱۷) مطابقت دارد.

آزمون فرضیه سوم

فرضیه سوم به تأثیر فرار مالیاتی بر نگهداشت وجه نقد می پردازد. در این پژوهش برای اندازه گیری سطح نگهداشت وجه نقد از دو معیار نسبت وجه نقد و معادل وجه نقد به کل دارایی ها و نسبت وجه نقد به مجموع دارایی ها پس از کسر وجه نقد و معادل وجه نقد استفاده شده است با توجه به نتایج بدست آمده در جدول (۴ و ۴) از برآورد الگوهای (۱ و ۲)، ضریب فرار مالیاتی بر (نسبت وجه نقد به کل دارایی و نسبت وجه نقد به خالص دارایی ها) به ترتیب برابر با ۰/۱۱۷ و ۰/۰۶۰۸ است و با توجه به $P-Value$ آن که برابر با ۰/۰۰۰ و ۰/۰۰۵ کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است. بنابراین، ضریب مثبت فرار مالیاتی نشان دهنده آن است که افزایش فرار مالیاتی موجب افزایش نگهداشت وجه نقد می شود. در نتیجه، این فرضیه در سطح اطمینان ۰/۹۵ مورد تأیید قرار می گیرد. نتیجه آزمون این فرضیه منطبق با مبانی نظری و با پژوهش میشل هانلون و همکاران (۲۰۱۷) مطابقت دارد.

نتیجه گیری و پیشنهادها

وجه نقد از منابع مهم و حیاتی هر واحد اقتصادی است. در اتخاذ بسیاری از تصمیمات مالی جریان های نقدی نقشی محوری دارند. مطالعاتی که تاکنون به موضوع سطح نگهداشت وجه نقد پرداخته اند، عوامل مؤثر متعددی را شناسایی نمودند؛ که از آن جمله می توان به اهرم مالی، رشد شرکت، اندازه شرکت، وضعیت حاکمیت شرکتی و ... اشاره کرد. در این مطالعه تلاش شد تا تأثیر عدم تمکین مالیاتی، اجتناب از مالیات و فرار مالیاتی بر سطح نگهداشت وجه نقد بررسی شود. به دلیل پیچیدگی و ابهام موجود در قوانین مالیاتی، اجتناب از مالیات اغلب شامل درجاتی از عدم قطعیت در قوانین مالیاتی می باشد. پس از ممیزی بازدهی شرکت ها، مقامات مالیاتی ممکن است دیدگاه متفاوتی از مالیات شرکت داشته باشند و بخواهند مبالغ کمتری را پرداخت می کنند. بنابراین چنین شرکت هایی وجه نقد بیشتری برای پرداخت به موقع بدهی های مالیاتی به منظور جلوگیری از جریمه ها در شرکت نگهداری می کنند. و یک مزیت عمده برای نگهداری پول نقد این است که به شرکت ها اجازه می دهد پروژه های با ارزش را در زمان مناسب انتخاب کنند. بدین منظور سه فرضیه برای بررسی این موضوع تدوین و داده های موجود مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش حاکی از آن است که متغیرهای عدم تمکین مالیاتی، اجتناب از مالیات و فرار مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری بر سطح نگهداشت وجه نقد دارند بدین معنی است که اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی، عدم تمکین مالیاتی و پرخاشگری مالیاتی ریسک نقدینگی را افزایش می دهد و در نتیجه باعث افزایش ریسک جریان نقدی و میزان محدودیت مالی می شود، در نتیجه باعث افزایش رفتارهای صرفه جویانه و پس انداز وجه نقد می شود. از یک طرف، انگیزه پیشگیرانه از نگهداشت نقدینگی شرکت به علت عدم پرداخت مالیات افزایش می یابد. شرکت ها می توانند از فعالیت های اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی صرفه جویی کنند؛ با این حال، ممکن است آنها مجبور شوند که مالیات را به موقع پرداخت کنند و زمانی که آنها در حسابرسی و بعداً توسط مقامات مالیاتی در آینده مجدداً مورد ارزیابی قرار می گیرند، مشمول جریمه های عدم پرداخت به موقع مالیات و محرومیت های تحمیلی از طرف اداره مالیاتی نشوند. بنابراین شرکت هایی که اقدام به مدیریت مالیات می کنند، نوسانات جریان نقدی بیشتری دارند، بنابراین وجه نقد بیشتری نسبت به دارایی های غیر نقدی نگهداری می کنند. و نسبت نقدینگی در مقایسه با دارایی های غیر نقدی در چنین شرکت های به دلیل مسائل نمایندگی و مشارکت مدیران ارشد شرکت ها در مدیریت مالیاتی (فرار مالیاتی، اجتناب مالیاتی و پرخاشگری مالیاتی و عدم تمکین مالیاتی) افزایش می یابد. بنابراین می توان نتیجه گرفت مدیریت مالیات باعث افزایش ریسک مالیاتی، نقدینگی و محدودیت در تأمین مالی مناسب شده، بنابراین شرکت ها جهت پرداخت به موقع مالیات جهت برخوردای از تخفیفات و تشویق های سازمان مالیاتی، جلوگیری از جریمه های ناشی از عدم پرداخت به موقع مالیات و تأمین وجوه لازم جهت انتخاب پروژه های مناسب میزان وجه نقد بیشتری در شرکت نگهداری خواهند کرد.

در ارتباط با موضوع پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می شود.

- با توجه به نتایج آزمون فرضیه های پژوهش مبنی بر وجود رابطه میان مدیریت مالیاتی و عدم تمکین مالیاتی پیشنهاد می شود که کلیه استفاده کنندگان در تصمیمات سرمایه گذاری خود همواره باید این نکته را مدنظر قرار دهند که به موازات افزایش ریسک نقدینگی به هر دلیلی (از جمله مدیریت مالیاتی) منجر به افزایش ریسک سرمایه گذاری می شود. به عبارتی دیگر سرمایه گذاران ریسک گریز هیچ گاه شرکت هایی را که در آن ها مدیریت مالیات در سطح حداکثر (قوی) می باشد به عنوان شرکت های مطلوب جهت سرمایه گذاری در نظر نمی گیرند.

با انجام هر پژوهش، راه به سوی مسیری جدید باز می شود و ادامه راه مستلزم انجام پژوهش های دیگری است؛ بنابراین، انجام پژوهش هایی به شرح زیر پیشنهاد می شود:

۱. تأثیر پرخاشگری مالیاتی بر سطح نگهداشت وجه نقد.
۲. تأثیر معیارهای کیفیت حسابرسی رابطه بین معیارهای مدیریت مالیات و نگهداشت وجه نقد.
۳. عوامل راهبری شرکتی و ساختار مالکیت بر رابطه بین معیارهای مدیریت مالیات و نگهداشت وجه نقد.
۴. الگوهای این پژوهش برای تمامی صنایع عضو نمونه آماری به صورت یکجا برآورد شده اند. از این رو، پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی هر یک از الگوهای این پژوهش را برای صنایع مختلف (سیمان و آهک، شیمیایی، فلزات اساسی و...) به تفکیک برآورد شود.

محدودیت های پژوهش

مهم ترین محدودیت های پژوهش حاضر به شرح زیر است:

قلمرو زمانی پژوهش بازه زمانی ۹۵-۱۳۸۵ است. بنابراین، باید توجه کرد نتایج پژوهش قابل تعمیم به سال های قبل از ۱۳۸۵ نیست. داده های استخراج شده از صورت های مالی شرکت ها، از بابت تورم تعدیل نشده است. در صورت تعدیل اطلاعات مذکور، ممکن است نتایج متفاوتی حاصل شود.

منابع و مراجع

- [۱] اسکندری، جمشید. (۱۳۸۶). حسابداری مالیاتی، تهران، انتشارات ترمه.
- [۲] اشرفزاده، حمید - رضا و نادر مهرگان. (۱۳۷۹)، برآورد اندازه فعالیت های اقتصاد زیرزمینی در ایران، مجموعه مقالات کنفرانس ملی قاچاق کالا و راه های کنترل آن، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۴۴-۲۵.
- [۳] افلاطونی، عباس. (۱۳۹۲). تجزیه و تحلیل آماری با *Eviews* در تحقیقات حسابداری مالی، مدیریت مالی و علوم اقتصادی. چاپ اول. تهران: انتشارات ترمه.
- [۴] آقایی، الله محمد. (۱۳۸۰). تمکین مودیان و خدمات رسانی نظام مالیات، مجله اقتصادی، شماره ۴ و ۵.
- [۵] باباجانی، جعفر؛ باقری، بهروز. (۱۳۹۶). ارائه مدلی برای اندازه گیری تمکین مالیاتی در سطح هر مؤدی، پژوهشنامه مالیات، شماره ۳۴، ۸۴-۴۹.
- [۶] پور مقیم، سید جواد، نعمت پور، معصومه و موسوی، میر حسین. (۱۳۸۴). بررسی عوامل موثر بر سطح وصول درآمدهای مالیاتی در سیستم مالیاتی ایران، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۵.
- [۷] جعفری صمیمی، احمد و علی اکبر حمزه ای. (۱۳۸۴). بررسی عوامل موثر بر فرار مالیاتی: مطالعه موردی صنف طلا فروشان استان مازندران. فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، شماره ۴۳، صص ۲۰-۳.
- [۸] رسولی شمیرانی، رضا و میررستم اسداله زاده بالی. (۱۳۸۶). بررسی عوامل موثر بر تمکین و خود اظهاری مودیان مالیاتی و ارایه راهکارهایی کارآمد جهت بهبود شرایط موجود، دفتر مطالعات و تحقیقات مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور.
- [۹] شهبازیان، حمداله. (۱۳۷۳). تحول مالیات های مستقیم در ایران از ۱۳۴۵ تا امروز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- [۱۰] صامتی، مجید، امیری، هادی و حیدری، زهرا. (۱۳۹۴). تأثیر اخلاق مالیاتی بر تمکین مالیاتی، مطالعه موردی شهر اصفهان. فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، شماره ۷۵، ۲۶۲-۲۳۱.
- [۱۱] فخاری، حسین و تقوی، سید روح الله. (۱۳۸۸). کیفیت اقلام تعهدی و مانده وجه نقد. بررسی های حسابداری و حسابرسی، ش ۵۷: ۸۴-۶۹.
- [۱۲] فروغی، داریوش؛ محمدی، شکوفه. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش و سطح نگهداشت وجه نقد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه مالیات، شماره ۲۰، ۲۲-۱.
- [۱۳] قائمی، محمدحسین و علوی، سید مصطفی. (۱۳۹۱). رابطه بین شفافیت اطلاعات حسابداری و موجودی نقد. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، ش ۱۲: ۷۸-۶۷.
- [۱۴] قربانی، سعید و مجتبی عدیلی. (۱۳۹۱)، نگهداشت وجه نقد، ارزش شرکت و عدم تقارن اطلاعاتی، مجله دانش حسابداری، ۸، ۱۴۹-۱۳۱.
- [۱۵] مهرانی، ساسان؛ مرادی، محمد؛ نخعی، منصور؛ مطمئن، محسن. (۱۳۹۲). نقش ویژگی های حسابرس در کیفیت سود. مجله پژوهش های حسابداری مالی، شماره ۲۰۸، ۹۳-۹۰.
- [16] Balakrishnan, K., Blouin, J. and Guay, W. (2012), "Does tax aggressiveness reduce corporate transparency?", working paper, September 7, Available At SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1792783>.
- [17] Bame- Aldred, C. W., Cullen, J.B., Martin, K. D., and Parboteeah, K. P. (2013). National culture and firm-level tax evasion. *Journal of Business Research*. 66. 390-396.
- [18] Bates, T.W., Kahle, K.M. and Stulz, R.M. (2009), "Why do US firms hold so much more cash than they used to?", *The Journal of Finance*, Vol. 64 No. 5, pp. 1985-2021.
- [19] Bhattacharya, U., Hazem, D., & Welker, M. (2003). The world pricing of earnings opacity. *Accounting Review*, 78, 641-678.
- [20] Chan, K.H., Lin, K.Z. and Mo, P. (2010), "Will a departure from tax-based accounting encourage tax noncompliance? Archival evidence from a transition economy", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 50 No. 1, pp. 58-73.
- [21] Desai, M.A., Dyck, A. and Zingales, L. (2007), "Theft and taxes", *Journal of Financial Economics*, Vol. 84 No. 3, pp. 591-623.

- [22] Fleischer, V. (2007). Options backdating, tax shelters, and corporate culture. *Virginia Tax Review* 26 (4): 1031–1034.
- [23] Francis, J., LaFond, R., Olsson, P., & Schipper, K. (2004). Costs of equity and earnings Attributes. *Accounting Review*, 79, 967–1010.
- [24] Freedman, J., (2003). Tax and corporate responsibility. *Tax Journal* 695 (2), 1–4.
- [25] Freise, A., Link, S., Mayer, S., (2008). Taxation and corporate governance – The state of the art. In: Schön, W. (Ed.), *Tax and Corporate Governance*. Springer-Verlag, Berlin Heidelberg.
- [26] have information that investors do not have”, *Journal of Financial Economics*, Vol. 13 No. 2, pp. 187-221.
- [27] Hoi, C-K., Wu, Q. and Zhang H. (2013). Is Corporate Social Responsibility (CSR) Associated with Tax Avoidance? Evidence from Irresponsible CSR Activities. Available at www.ssrn.com.
- [28] Kim, J., Li, Y., & Zhang, L. (2011). Corporate tax avoidance and stock price crash risk: Firm level analysis. *Journal of Financial Economics*, 100, 639–662.
- [29] Knack, S. and P. Keefer, (1997), Does Social Capital Have an Economic Payoff? A Cross-country Investigation. *Quarterly Journal of Economics*. 112.1251-88.
- [30] Landolf, U., (2006). Tax and corporate responsibility. *International Tax Review* 29, 6–9.
- [31] Lanis, R. and Richardson, G. (2012). Corporate Social Responsibility and Tax aggressiveness: An Empirical Analysis. *J, Account, Public Policy*. 86-108.
- [32] Lanis, R., Richardson, G., (2011). The effect of board of director composition on corporate tax aggressiveness. *Journal of Accounting and Public Policy* 30 (1), 50–70.
- [33] Liangliang Wang. (2015). Tax enforcement, corporate tax aggressiveness, and cash holdings. *Asian Review of Accounting*, Vol. 23 Iss 2 pp. 110-138.
- [34] Lu, Z.F. and Han, F.C. (2013), “Do macroeconomic policies affect the economic effect of cash holdings: perspectives from production market and capital market”, *Management World*, No. 6, pp. 43-60 (in Chinese).
- [35] McKee, R., (1989), High Tax Compliance Leads to Smaller Government. Manuscript, Department of Economics, University of Tennessee.
- [36] Michelle Hanlon & Edward L. Maydew & Daniel Saavedra. (2017). *The taxman cometh: Does tax uncertainty affect corporate cash holdings*. Springer Science+Business Media New York 2017.
- [37] Myers, S.C. and Majluf, N.S. (1984), “Corporate financing and investment decisions when firms have information that investors do not have”, *Journal of Financial Economics*, Vol. 13 No. 2,
- [38] Ozkan, A., & Ozkan, N. (2004). Corporate cash holdings: An empirical investigation of UK companies. *Journal of Banking and Finance*, 28, 2103–2134.
- [39] pp. 187-221. Opler, T., Pinkowitz, L., Stulz, R., & Williamson, R. (1999). The determinants and implications of corporate cash holdings. *Journal of Financial Economics*, 52, 3–46.
- [40] Rego, S.O. and Wilson, R. (2012), “Equity risk incentives and corporate tax aggressiveness”, *Journal of Accounting Research*, Vol. 50 No. 3, pp. 775-810.
- [41] Slemrod, J. (1992). *Why People Pay Taxes: Tax Compliance and Enforcement*. University of Michigan Press. Ann Arbor. MI.
- [42] Slemrod, J., (2004). The economics of corporate tax selfishness. *National Tax Journal* 57, 877–899.
- [43] Subramaniam, V., Tony, T., Tang, H. Y., & Zhou, X. (2011). Firm structure and corporate cash holdings. *Journal of Corporate Finance*, 17, 759-773.
- [44] Wang, Z. and Zhu, W. (2013), “Equity financing constraints and corporate capital structure: a model”, *China Finance Review International*, Vol. 3 No. 4, pp. 322-339.
- [45] Williams, D.F., (2007). *Developing the Concept of Tax Governance*. KPMG, London, UK.